

**The civil liability of occupants for injuries incurred by firefighters  
by comparative study of American law**

**Mahdiye Sadeghian**

*Ph.D. Student in Private Law of University of Isfahan*

(Email: mahdiye.sad68@yahoo.com)

**Alireza Yazdanian\***

*Associate Professor, Faculty of Law, University of Isfahan, Isfahan, Iran*

**Morteza Tabibi Jebelly**

*Assistant Professor, Faculty of Law, University of Isfahan, Isfahan, Iran*

(Email: m.tabibi@ase.ui.ac.ir)

**Mohammad Mehdi Alsharif**

*Associate Professor, Faculty of Law, University of Isfahan, Isfahan, Iran*

(Email: m.alsharif@ase.ui.ac.ir)

(Received: 2020/04/03, Accepted: 2020/10/14)

**Abstract**

Investigating the owners' civil liability to injuries of firefighters during rescue attempts has a long history in the United States. In this legal system, the firefighters generally are prohibited from recovering damages from owners and occupants who their negligence has caused a fire or other accidents. This rule commonly is called the fireman's rule. However, Because of lawyers' criticisms of that rule, it has been rejected or exceptions has restricted it in some states. Unlike the United States, there have been no coherent studies in this area in Iranian law. Therefore, the analysis of the issue is possible only with the generalities of civil liability. The analysis of these generalities shows where the fireman's injuries are the result of the owner's indirect loss (tasbib), the firefighter will not be entitled to damages for injuries related to the essential reason of his presence at the scene of the accident. But if the injuries are not related to accident required presence of him in the scene, he will be strictly liable of the damages, provided that the firefighter enters land with the permission of the owner. but if he enters land with the legal permission, his liability will be based on fault.

**Keywords**

Civil liability, Fire, Firefighter, Fireman's rule, Owners.

---

\* Corresponding Author, Fax: 03117934126, Email:a.yazdanian@ase.ui.ac.ir

مطالعات حقوق تطبیقی

دوره ۱۲، شماره ۱

بهار و تابستان ۱۴۰۰

صفحات ۱۶۹ تا ۱۸۹ (علمی - پژوهشی)

**مسئولیت مدنی متصرفان ساختمان در قبال آسیب‌های وارده بر**

**مأموران آتش‌نشان؛ با مطالعه تطبیقی حقوق امریکا**

مهديه صادقیان

دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه اصفهان

(Email: mahdiye.sad68@yahoo.com)

علیرضا یزدانیان\*

دانشیار گروه حقوق خصوصی دانشگاه اصفهان

مرتضی طیبی جبلی

استادیار گروه حقوق خصوصی دانشگاه اصفهان

(Email: m.tabibi@ase.ui.ac.ir)

محمد مهدی الشریف

دانشیار گروه حقوق خصوصی دانشگاه اصفهان

(Email: m.alsharif@ase.ui.ac.ir)

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۱۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۷/۲۳)

## چکیده

بررسی مسئولیت مدنی مالکان در قبال آسیب‌های آتش‌نشانان هنگام عملیات امدادسانی سابقه دیرینه‌ای در ایالات متحده آمریکا دارد. در این نظام حقوقی عموماً در پرونده‌های مطروحه در این خصوص، به قاعده آتش‌نشان استناد گردیده که به موجب آن، آتش‌نشانان از حق دریافت خسارت از مالکان و متصرفانی که تقصیر آنها موجب ایجاد حریق یا حوادث دیگری شده است، ممنوع هستند. لیکن به جهت انتقادات وارده، این قاعده در برخی ایالات نسخ شده یا استثناهایی آن را محدود کرده است. برخلاف ایالت‌های امریکا، در حقوق ایران، مطالعات منسجمی در این زمینه صورت نگرفته است. لذا بررسی موضوع تنها باید با توجه به قواعد عمومی مسئولیت‌مدنی صورت پذیرد. تحلیل این قواعد حاکی از آن است که در موارد تسبیب، آتش‌نشان آسیب‌دیده بابت صدماتی که مرتبط با علت اصلی حضور وی در صحنه حادثه است، حق دریافت خسارت ندارد. لیکن در مورد صدمات غیرمرتبط با علت اصلی حضور وی در حادثه، در صورت ورود آتش‌نشان به إذن مالک، مسئولیت مالک از نوع مسئولیت محض و در صورت ورود با إذن قانونی، مسئولیت وی مبتنی بر تقصیر خواهد بود.

## واژگان کلیدی

آتش‌نشان، حریق، قاعده آتش‌نشان، مالکان، مسئولیت مدنی.

## مقدمه

زندگی انسان همواره در طول تاریخ در معرض خطرهای گوناگون ناشی از حوادث قرار گرفته است. فکر پیشگیری و مقابله با این حوادث و نجات شهروندان از دیرباز ذهن بشر را به خود مشغول کرده و سبب ایجاد نهادهایی شده که وظیفه اولیه آنها کاهش آثار خسارت بار حوادث، امداد رسانی و حفظ جان و مال افراد حاضر در صحنه حادثه است. از جمله این نهادها، سازمان آتش نشانی است. اغلب شهروندان در هنگام وقوع حریق یا حوادث اضطراری نظیر آن، با این سازمان تماس گرفته، خواستار حضور مأموران جهت امداد رسانی می‌شوند. پس از اطلاع از وقوع حادثه، مأموران بی‌درنگ در صحنه حاضر شده، عملیات نجات را آغاز می‌کنند. حال در صورتی که یکی از مأموران در حین عملیات آسیب ببیند و برای جبران صدمات خود اقامه دعوا نماید این پرسش‌ها ممکن است مطرح شود: آیا آتش‌نشان از مالک ملکی که با تقصیر موجب ایجاد آن حادثه اضطراری شده است حق دریافت خسارت دارد؟ آیا تقصیر مالک ساختمان در ایجاد حادثه می‌تواند مبنایی برای مسئولیت مدنی مالک در قبال آتش‌نشانان قلمداد شود؟ اگر مالک ملک در ایجاد حادثه مدخلیتی نداشته باشد، لکن پس از حضور مأموران، آنها را از خطرهای حین عملیات نجات با اطلاع از وضعیت ملک آگاه نسازد و امداد رسانی بر اثر آن دچار صدمه شوند، آیا جهت دریافت خسارت حق مراجعه به مالک را دارند؟

در مقاله حاضر، ما درصدد پاسخگویی به این پرسش‌ها از منظر حقوق امریکا و ایران هستیم. در تمام نظام‌های حقوقی با تحقق ارکان مسئولیت مدنی، فاعل فعل زیان بار ضامن تلقی می‌شود و جبران خسارت مطالبه‌پذیر می‌گردد. از منظر حقوق دانان ایران، برای تحقق مسئولیت مدنی وجود سه شرط همواره لازم است: ضرر، فعل زیان بار، رابطه سببیت بین فعل و ضرر. این شروط را می‌توان شروط ثابت مسئولیت نامید، زیرا وجود آنها در همه حال برای تحقق مسئولیت ضرورت دارد (قاسم‌زاده، ۱۳۸۷: ۲۴-۲۵). لیکن در ایالات متحده امریکا که دارای نظام کامن‌لا است، مبنای اکثر دعاوی جبران خسارت (Tort) و در حقیقت، یکی از اسباب اقامه دعوی مسئولیت مدنی<sup>۱</sup> تقصیر (Negligence) است. این عنوان زمانی تحقق می‌یابد که شخص دقت و احتیاط لازمی را که هر فرد معقول و متعارفی در آن شرایط داراست، به کار نگیرد و در نتیجه به ورود خسارت به دیگری منجر شود (Varone, 2007: 248). به تعبیر دقیق‌تر، ترک فعل افراد در انجام امری که انسان متعارف در آن شرایط زمانی و مکانی، آن فعل را انجام می‌دهد و یا انجام فعلی که آن انسان در آن شرایط از انجام آن امر خودداری می‌کند، بهترین تعریف برای این عنوان است (Fouch v. Werner Case, 1929: 564). لذا برای تحقق

۱. در نظام کامن‌لا مسئولیت مدنی (Tort) مبتنی بر سه عامل شبه جرم‌های عمدی (Intentional Torts)، تقصیر (Negligence) و مسئولیت محض (Strict Liability) است.

این عنوان باید سه عنصر موجود باشد: فعل یا ترک فعل، خسارت به خواهان، عدم رعایت احتیاط لازم. در صورت تحقق این سه عنصر، فرد حق مطالبه خسارت را در امریکا خواهد داشت (Varone, 2007: 249). لیکن از دیرباز تقصیر نمی‌توانست مبنایی برای اقامه دعوی آتش‌نشانان علیه افرادی باشد که تقصیر آنها سبب ایجاد حادثه‌ای شده که مستلزم حضور مأموران جهت عملیات امداد رسانی است (Denistone, 1981: 197). به بیان دقیق‌تر، این امداد رسانیان حتی در صورت اثبات سه عنصر پیش‌گفته، حق مطالبه خسارت صدمات خود را از مالک یا مقصر در ایجاد آن حادثه نداشتند. این مضمون با عنوان قاعده آتش‌نشان (Fireman's Rule) در ایالات امریکا مشهور شده است. این قاعده همانند تمامی قواعد حقوقی بر مبنای و ارکانی استوار است و مدافعان و مخالفانی در سطح ایالات دارد که در مقاله حاضر ابتدا به بررسی موضع حقوق امریکا با محوریت بحث در خصوص قاعده آتش‌نشان می‌پردازیم و سپس در صدد تبیین موضع حقوق ایران برمی‌آییم.

## ۱. ایالات متحده امریکا

در ایالات امریکا عموماً در پرونده‌های مطروحه در خصوص مسئولیت مدنی مالکان در قبال آسیب‌های آتش‌نشانان به قاعده آتش‌نشان استناد می‌شود که به موجب آن، آتش‌نشانان ممنوع از دریافت خسارت از افرادی هستند که تقصیر آنها موجب ایجاد حریق یا حوادث دیگر شده است (Riley, 1983: 218). به تعبیر دیگر در صورتی که وقوع حادثه‌ای ناشی از تقصیر فردی باشد و جهت امداد رسانی از آتش‌نشانان طلب امداد شود و پس از حضور مأموران در صحنه، آسیب جسمانی ناشی از آن حادثه بر آنها وارد شود، به موجب قاعده آتش‌نشان حق آنها برای دریافت خسارت زیان وارده محدود می‌شود و حق دریافت خسارت از فرد مقصر در ایجاد حادثه را ندارند (Mitchell Hamline School of Law, 1981: 749-750). این قاعده در اغلب ایالات به مأموران پلیس نیز تسری یافته (Fanzlaw, 1994: 847) و حتی در برخی از ایالات امداد رسانیان حرفه‌ای دیگر نظیر تکنسین‌های اورژانس، دامپزشکان، رانندگان یدک‌کش و جراحان ارائه‌دهنده خدمات اورژانسی را دربر می‌گیرد (Casselmann, 2017: 265). قاعده آتش‌نشان در ایالات امریکا، استثنایی بر نظریه‌ای تحت عنوان نظریه نجات (Rescue Doctrine) است (Hohn, 1994: 479). به موجب این نظریه، فردی که در حین نجات جان یا مال دیگری آسیب ببیند، حق دریافت خسارت از شخصی را دارد که رفتار زیان‌بار وی جان یا مالی را در معرض خطر قریب‌الوقوعی قرار داده است؛ حتی اگر تلاش برای نجات دیگری ناموفق و بی‌سرانجام باشد (Kuklin, 2006: 171-172). لیکن قاعده آتش‌نشان به‌عنوان استثنا، مسئولیت مدنی افراد مقصر در ایجاد حادثه را در قبال امداد رسانیان حرفه‌ای محدود می‌نماید. به این

ترتیب، فردی که به موجب نظریه نجات می‌توانست دریافت خسارت نماید، در صورتی که صدماتش ضمن انجام وظیفه شغلی به‌عنوان آتش‌نشان حادث گردد، حق اقامه دعوا بر فرد مقصر در ایجاد حادثه را ندارد (Berry, 2007: 171). این قاعده به‌عنوان قاعده‌ای عمومی در ایالات آمریکا در طول تاریخ دچار تحولاتی شده است که در ادامه به بیان پیشینه تاریخی آن می‌پردازیم.

### ۱.۱. پیشینه قاعده آتش‌نشان

به لحاظ تاریخی، ایجاد قاعده آتش‌نشان مبتنی بر نظام سنتی طبقه‌بندی واردشوندگان به املاک دیگری است (Palumbo, 1987: 127) که مطابق این نظام، شیوه تعیین مسئولیت مالکان به وضعیت فرد واردشونده به ملک و نحوه عمل مالک بستگی دارد. ریشه‌های این طبقه‌بندی به نظام فئودالی انگلستان بازمی‌گردد که در آن مالکان ساختمان از بالاترین حقوق (Supreme Rights) برخوردار بودند (Mitchell Hamline School of Law, 1981: 754). در این نظام، واردشوندگان به ملک دیگری به سه گروه تقسیم می‌شدند که مسئولیت مدنی مالک در قبال واردشونده به ملک او وابسته به این امر بود که آن فرد در کدام گروه قرار می‌گرفت (Rev, 1980: 879-880). این سه گروه عبارت بودند از: ۱- واردشوندگان غیرمجاز (Trespasser)؛ افرادی که مجوزی برای ورود به ملک دیگری، اعم از رضایت مالک یا متصرف یا مجوز قانونی ندارند. ۲- واردشوندگان مجاز (Licensee)؛ افرادی که حق ورود به ملک دیگری را به سبب رضایت متصرف یا مالک ملک دارا هستند و برای اهداف شخصی وارد ملک دیگری می‌شوند. ۳- دعوت‌شدگان (invitee)؛ افرادی که برای ورود به ملک از آنها دعوت به‌عمل می‌آید و این تضمین داده می‌شود تا محیط ایمنی جهت ورود و استقرار آنها در ملک فراهم گردد و مالک از حضور آنها سود و منفعتی به‌دست می‌آورد (Mitchell Hamline School of Law, 1981: 751). در این نظام، مالک ساختمان نسبت به واردشونده غیرمجاز، حداقل وظیفه را دارا بوده و بیشترین وظیفه احتیاط و مراقبت را نسبت به دعوت‌شده داشته است (Palumbo, 1987: 128). در تعدادی از ایالات آمریکا، نظیر نیویورک و ماساچوست، آتش‌نشانی که برای امدادسانی و اطفای حریق وارد ملک دیگری می‌شدند، با عنوان دعوت‌شدگان قلمداد می‌گردیدند (Ibid: 129). لیکن در اکثر دادگاه‌های ایالات آمریکا آنها را واردشوندگان مجاز قلمداد نمودند که برای انجام تکالیف عمومی وارد ملک خصوصی دیگران می‌شدند و اجازه ضمنی از سوی قانون برای ورود به املاک دیگران برای نجات جان و مال آنان داشتند. در این نظام طبقه‌بندی، اجازه صرف برای ورود به منازل افراد این تکلیف را به مالک یا متصرف تحمیل نمی‌نمود تا در برابر خطرهای احتمالی پیش‌بینی‌های لازم را به‌عمل آورد. لذا متصرفان هیچ تکلیفی نسبت به آتش‌نشانیان برای اجتناب از ایجاد حریق یا ایمن نگه‌داشتن ساختمان‌هایشان از خطرهای دیگر حتی نامرتب با حریق نداشتند (Mitchell Hamline School

of Law, 1981: 752)، جز اینکه نسبت به خطرهای پنهان موجود در ملک پس از حضور آنان در صحنه حادثه، آگاهی لازم را بدهند (Fanzlaw, 1994: 849) و از ایراد آسیب‌های عمدی یا بسیار بی‌احتیاطانه بر آنها اجتناب نمایند (In the Supreme Court of the State of Kansas, 2017: 9). نخستین بار این استدلال قلمداد نمودن آتش‌نشانان به‌عنوان واردشوندگان مجاز در پرونده‌ای در ایالت ایلینوی مطرح گردید (Ibid: 7). در این پرونده چند تن از آتش‌نشانان که برای اطفای حریق در محل حاضر شدند، جهت انجام عملیات امداد، سوار بر بالابر موجود در ساختمان می‌شوند تا خود را به طبقه زیرزمین برسانند. لیکن در اثر سست بودن طناب متصل، بالابر سقوط کرده، در اثر این حادثه، پای یکی از مأموران به‌شدت صدمه می‌بیند. دادگاه در این پرونده مقرر می‌دارد که مأموران صرفاً واردشوندگان مجاز بوده‌اند و اجازه صرف برای ورود به منزل، این تکلیف را برای مالک یا متصرف در پی ندارد تا محیط ایمنی جهت ورود آنها در ملک فراهم نماید (Gibson v. Leonard Case, 1892: 183). لذا منشأ شکل‌گیری قاعده آتش‌نشانان به نظام طبقه‌بندی واردشوندگان به ملک و به تعبیر دیگر نظریه مسئولیت ساختمان (Theory of Premises Liability) برمی‌گردد (Ruscus, 1991: 343). لیکن اعمال این نظام سخت‌گیرانه برای تعیین تکلیف مسئولیت مالکان در قبال آتش‌نشانان بسیار بحث‌برانگیز بود. انصافاً آتش‌نشانان در زمره هیچ‌یک از این گروه‌های سخت‌گیرانه قرار نمی‌گرفتند (Moss, 1975: 661)، زیرا ورود آنان به ملک دیگران بر مبنای اختیارات قانونی آنها بود، نه بر مبنای رضایت مالک یا دعوت او، و همچنین ورود آنها نه تنها برای منافع شخصی خود نبود، بلکه برای منافع مالک و عموم مردم بود. لیکن، علی‌رغم دشواری قرار دادن آتش‌نشانان در زمره گروه خاص، دادگاه‌های ایالات آمریکا برای سال‌های زیادی آتش‌نشانان را به‌عنوان واردشوندگان مجاز قلمداد می‌کردند (Mitchell Hamline School of Law, 1981: 752-753). این رویکرد تا سال ۱۹۲۰ در ایالات آمریکا قاعده‌ای عمومی بود (Denistone, 1981: 199). دلایل عمده این امر این بود که مکلف نمودن مالکان به حفظ ایمنی ساختمان‌هایشان برای ورود نادر و غیرقابل پیش‌بینی آتش‌نشانان، باری بسیار سنگین بود (Palumbo, 1987: 126) و در صورت مسئولیت مالکان نسبت به زیان‌های واردآمده به مأموران، مردم در هنگام وقوع حوادث نسبت به تماس با سازمان آتش‌نشانی بی‌میل می‌شدند. این نگرانی‌ها موجب شد که دادگاه‌ها این نظام را که به نتایج غیرمنصفانه‌ای برای آتش‌نشانان منجر می‌گردید، تداوم و استمرار بخشند. لیکن سرانجام، برخی از دادگاه‌های ایالات آمریکا این طبقه‌بندی را ناکارآمد، قدیمی و اقتباس کهنه‌ای در جامعه صنعتی جدید اعلام نمودند (Mitchell Hamline School of Law, 1981: 754). برای نمونه، دادگاه نیویورک که از جمله ایالات پیشرو در جهت حذف آتش‌نشانان از این طبقه‌بندی بود، در سال ۱۹۲۰ در پرونده‌ای اذعان داشت که آتش‌نشانان نه در زمره واردشوندگان مجاز قرار می‌گیرند و نه در زمره دعوت‌شدگان. در این پرونده، ملکی واقع در نیویورک دچار حریق گردید و آتش‌نشانان بی‌درنگ پس از اطلاع، به سمت محل حرکت

کردند. در مسیر اختصاصی منتهی به ملک، ناگهان مأموران به درون حفرة زیرزمینی مختص نگهداری زغال سنگ سقوط نموده، دچار صدمه شدند. مأموران به طرفیت مالک به سبب عدم رعایت نکات ایمنی در نصب درپوش مناسب برای مخزن، اقامه دعوا نمودند. دادگاه در این پرونده به نفع خواهان رأی صادر نمود؛ با این استدلال که آتش نشان نمی تواند واردشونده مجاز قلمداد گردد، زیرا حق واردشونده مجاز وابسته به رضایت مالک است و در این پرونده رضایت مالک وجود ندارد. از سوی دیگر، مأموران دعوت شده نیز قلمداد نمی شوند به سبب اینکه هیچ گونه دعوتی از سوی مالک از آنها به عمل نیامده است (Meiers v. Fred Koch Brewery Case, 1920: 10-17). نمونه دیگر از ایالات همسو با ایالت نیویورک، کالیفرنیا است. در این ایالت، دیوان عالی در سال ۱۹۶۸ در پرونده ای نظام طبقه بندی واردشوندگان به ملک را نسخ و مقرر نمود که مالکان ساختمان باید مراقبت و احتیاط متعارف را در اجتناب از ایراد صدمه به دیگران به کار گیرند (Rowland v. Christian Case, 1968: 116). همچنین ایالت مینه سوتا در پرونده ای در سال ۱۹۷۲ تمایز میان واردشوندگان مجاز و دعوت شدگان را نسخ نمود و مقرر داشت که مالکان ساختمان مکلف به حفظ ایمنی ساختمان هایشان منطبق با رفتار انسان متعارف هستند و وضعیت واردشونده به ملک به عنوان واردشونده مجاز یا دعوت شده در مسئولیت مالک، تعیین کننده نیست. لکن یک عامل در میان عوامل متعددی است که باید در تعیین رفتار انسان متعارف در نظر گرفته شود (Peterson v. Balach Case, 1972: 643-644).

با بیان این آرا مشخص می شود که از اهمیت نظریه طبقه بندی کردن واردشوندگان به ملک دیگری به عنوان مبنای شکل گیری قاعده آتش نشان در ایالات امریکا کاسته شده است. لیکن برخی از ایالات، همچنان تأکید زیادی بر تلقی آتش نشانان به عنوان واردشوندگان مجاز به ملک دیگری دارند. در مقابل، در امریکا در حال حاضر، اکثر ایالاتی که به قاعده آتش نشان استناد می کنند، مبنای دیگری را برای پذیرش این قاعده مطرح می نمایند که در اینجا به بیان آن مبانی و انتقادات وارده بر آن می پردازیم.

## ۱.۲. مبانی قاعده آتش نشان

اغلب ایالاتی که قاعده آتش نشان را پذیرفتند، آن را بر تئوری پذیرش خطر (Assumption of Risk) و یا نظم عمومی (Public Policy) استوار می دانند (Richard White v. State of Maryland Case, 2011: 381; Denistone, 1981: 202-203) که در ادامه به بررسی آن می پردازیم.

### ۱.۲.۱. نظریه پذیرش خطر

مبنای اصلی قاعده آتش نشان، در اغلب ایالات استنادکننده به این قاعده، نظریه پذیرش خطر

است. پذیرش خطر عموماً در دو حالت مطرح می‌شود:

- پذیرش صریح خطر (Express Assumption of Risk). مواردی که خواهان پیش از وقوع تقصیر از ناحیه خواننده به‌طور صریح رضایتش را مبنی بر عدم مسئولیت خواننده در صورت تقصیر اعلام می‌دارد.
- پذیرش ضمنی خطر (Implied Assumption of Risk). مواردی که خواهان با ورود داوطلبانه در رابطه‌ای با خواننده که احتمالاً مستلزم خطرهایی برای خواهان است، به‌طور ضمنی - و نه صریح - خطر پیش رو را می‌پذیرد و در نتیجه آن، خواننده از هرگونه تعهدی در قبال خواهان، ناشی از آن خطر مبرا می‌شود (Denistone, 1981: 204-205). از میان دو مورد یادشده، معمولاً حالت دوم، اساس قاعده آتش‌نشان را تشکیل می‌دهد که به‌موجب آن، خواهان با رویارویی داوطلبانه با حادثه ایجادشده از سوی خواننده، خطر و ریسک موجود در آن حادثه را هم می‌پذیرد (Ibid: 205). به بیان دیگر، امدادگران، ریسک و احتمال صدمات ایجادشده در حین عملیات نجات را به سبب ماهیت و طبیعت خطرناک شغلی می‌پذیرند و به سبب پذیرش خطر، حق دریافت زیان وارده را از خود سلب می‌نمایند (Ibid: 198). در پرونده‌های بسیاری به این نظریه در تقویت و حمایت از قاعده آتش‌نشان استناد شده است که تنها به ذکر نمونه‌ای از آن اکتفا می‌شود. در این پرونده مطروحه در ایالت مینه‌سوتا، سه آتش‌نشان در هنگام اطفای حریق در انبار ذخیره‌سازی گازهای قابل‌اشتعال کشته شدند. امور موضوعی پرونده نشان می‌داد که آتش و انفجار ناشی از آن، حاصل تقصیر خوانندگان به سبب تخلف از دستورالعمل‌های آتش‌نشانی و استانداردهای موجود در بخش صنعت بود. لیکن با وجود مدارک دال بر تقصیر خوانندگان، دیوان عالی رأی داد که خطر انفجار گازهای اشتعال‌زا، از جمله خطرهایی شمرده می‌شود که آتش‌نشانان در آغاز امر پذیرفته بودند و آنان از امکان انفجاری که ممکن بود نزدیک مخزن گاز رخ دهد، آگاه بودند، زیرا آنها برای اطفای حریق مخازن گاز آموزش‌های خاصی دیده بودند. از سوی دیگر صرف اینکه انفجار ناشی از عیوب پنهان موجود در ساختمان باشد، به‌منزله غیرقابل پیش‌بینی بودن خطر آن انفجار برای آتش‌نشان نخواهد بود. لذا خوانندگان علی‌رغم مقصر بودن، مسئولیتی در باب مرگ آتش‌نشانان ندارند؛ زیرا خطر انفجار، خطر ذاتی و اجتناب‌ناپذیر شغل آتش‌نشانی است (Armstrong v. Mailand Case, 1979: 345-353).

### ۱.۲.۲. نظم عمومی

اکثر ایالاتی که به قاعده یادشده به‌عنوان عامل محرومیت آتش‌نشانان از دریافت خسارت استناد می‌کنند، به پذیرش نظم عمومی به‌عنوان مبنای این قاعده تمایل دارند. استناد به نظم عمومی به این معناست که دریافت خسارت از سوی آتش‌نشانان برای صدمات حاصله از حادثه‌ای که حضور آنان را ایجاب می‌نماید، برخلاف نظم جامعه است. به این جهت آتش‌نشانان بر مبنای



نظم عمومی نمی‌توانند تقصیر مالک در ایجاد حادثه‌ای را ادعا نمایند که خود برای امدادسانی آن حادثه استخدام شده‌اند و برای صدمات حاصله از تقصیر فردی که به کمک آنها نیازمند است، خسارت دریافت کنند (Denistone, 1981: 202). زیرا به سبب خطرهای ناشی از ماهیت شغلی آتش‌نشانان، سازمان آتش‌نشانی علاوه بر مزایای قانونی، نظیر بیمه از کارافتادگی و معالجات پزشکی، به مأموران یادشده حقوق عالی و مزایای قانونی خاصی اعطا می‌کند. بنابراین، پیش از وقوع حوادث، به‌اندازه کافی به این مأموران پاداش و مزایا پرداخت شده و نیازی به پرداخت مجدد خسارات نیست (Berry, 2007: 173). علاوه بر این، نظم عمومی به‌عنوان سنگ بنای این قاعده، بیانگر آن است که مالکان با پرداخت مالیات به دولت، انتظار دارند که در حوادث پیش رو، بدون ترس از دعاوی بعدی و بدون توجه به آنکه آن حادثه ناشی از تقصیر خودشان است یا خیر، از امدادگران طلب کمک نمایند (Heidt, 2007: 761). لذا به سبب آنکه مؤدیان مالیاتی، مالیات را به سبب بهره‌مندی از خدمات آتش‌نشانان و مزایای خاص اعطایی به آنها برای انجام وظیفه شغلی می‌پردازند، در صورتی که آتش‌نشانان در حین عملیات امداد دچار آسیب شود، بار دیگر نباید مجبور باشند تا هزینه‌ای در قبال آن صدمات برای تقصیر خود بپردازند (Denistone, 1981: 214). زیرا در غیر این صورت، مردم باید دو بار جبران خسارت نمایند؛ یک بار به‌عنوان مؤدی مالیاتی به نفع آتش‌نشانان مالیات بپردازند و بار دیگر به‌عنوان فاعل فعل زیان‌بار خسارت وارده بر امدادگران را جبران نمایند (Heidt, 2007: 760).

### ۳.۱. انتقادات وارده بر مبانی قاعده آتش‌نشان

بر مبانی اصلی قاعده آتش‌نشان، نقدهایی از سوی حقوق‌دانان امریکایی وارد شده است که در ادامه به بیان این انتقادات بر دو مبنا اصلی می‌پردازیم:

#### ۳.۱.۱. پذیرش خطر

همان‌طور که بیان گردید، از جمله مبانی اصلی قاعده آتش‌نشان، پذیرش خطر از ناحیه آتش‌نشان به سبب ماهیت خطرناک شغلی و مواجهه داوطلبانه با حادثه از سوی خواننده است. لیکن حقوق‌دانان انتقاداتی بر این مبنا وارد کردند که در اینجا بیان می‌شود:

الف) از دید برخی از حقوق‌دانان، قابل قبول بودن نظریه پذیرش خطر برای محرومیت کامل آتش‌نشان از مطالبه خسارت از فرد مقصر در ایجاد حادثه، با پذیرش مسئولیت به تناسب میزان تقصیر (Comparative Negligence) به جای قاعده تقصیر مشترک (Contributory Negligence) در اکثر ایالات مورد تردید واقع شده است (Denistone, 1981: 205). نظریه تقصیر مشترک بیانگر آن است که اگر زیان‌دیده به هر نحوی در ورود صدمات به خود مقصر

باشد، به‌طور کلی از حق مطالبه خسارت محروم می‌شود (Johnson, 2015: 53). اعمال این قاعده بسیار سخت‌گیرانه است، زیرا اگر ثابت شود که خواهان به هر نحوی در ورود آسیب به خود دخیل بوده، خواننده نمی‌تواند مسئول قلمداد شود و این امر، دفاعی مطلق در برابر ادعای تقصیر است. لیکن محرومیت کامل از دریافت خسارت، از دید اغلب ایالات، حکمی ناعادلانه بود. زیرا اولاً ممکن بود تقصیر زیان‌دیده سهم ناچیزی در وقوع زیان داشته باشد و ثانیاً تقصیر وی نباید دیگری را از مسئولیت ناشی از تقصیر خود معاف کند. به دلیل انتقادات وارد بر این قاعده، در اکثر حوزه‌های قضایی سیستمی به نام مسئولیت به تناسب میزان تقصیر ایجاد گردید (Zimmerman, 1976: 587). در این مسئولیت، مقیاسی ۱۰۰ درصد در نظر گرفته می‌شود که هر فرد درصدی از تقصیر را به‌موجب نظر هیئت منصفه داراست. بنابراین، اگر در یک سانحه رانندگی که در آن خواهان متحمل ۱۰۰ هزار دلار خسارت گردیده است، هیئت منصفه تعیین نماید که خواننده ۸۰ درصد مقصر بود و خواهان ۲۰ درصد، خواهان می‌تواند ۸۰ هزار دلار خسارت دریافت کند (Varone, 2007: 264). لذا به‌موجب این نظام، تقصیر فرد زیان‌دیده نباید مانع دریافت کامل خسارت از فرد زیان‌زننده شود، بلکه تنها باید میزان خسارت مقرر به تناسب میزان تقصیر قابل انتساب به فرد زیان‌دیده کاهش یابد (Handley, 2015: 498). این تحول که بسیار چشمگیر بود، حتی به دفاع پذیرش خطر نیز ارتباط داشت، زیرا دفاعیات پذیرش خطر و تقصیر زیان‌دیده، علی‌رغم تمایز، اشتراکاتی با یکدیگر دارند: تقصیر مشترک در مواردی مطرح می‌شود که خواهان، احتیاط و مراقبت متعارف را برای محافظت از خویشتن به‌کار نمی‌گیرد، اما پذیرش خطر مبتنی بر رضایت داوطلبانه خواهان برای ریسک نمودن است (Mitchell Hamline School of Law, 1981: 766). اما زمانی که پذیرش داوطلبانه خطر از ناحیه خواهان نامتعارف باشد، پذیرش خطر و تقصیر مشترک با یکدیگر تداخل داشته (Wildman; Barker, 1990: 653)، تمایز میان آنها بی‌معنا خواهد بود. از این رو، دادگاه‌های برخی ایالات دفاع پذیرش خطر را در صورت تداخل با نظریه تقصیر مشترک ادغام نموده، مدعی نسخ آن به‌موجب قانون مسئولیت به تناسب میزان تقصیر هستند. به‌طوری که در صورت بروز فرض یادشده، تقصیر فرد زیان‌دیده در مواجهه داوطلبانه با خطری حتمی‌الوقوع، مانع مطلق دریافت خسارت از ناحیه او نمی‌شود و تنها مسئولیت به تناسب میزان تقصیر فرد زیان‌دیده سنجیده می‌شود (Denistone, 1981: 206-207).

ب) از دید حقوق‌دانان، داوطلبانه بودن رفتار آتش‌نشانان در رویارویی با خطرها، به لحاظ ماهیت شغلی آنها نیز قابل بحث است. به این ترتیب که آتش‌نشانان گرچه تکلیف اخلاقی و قانونی به محافظت از جان و مال مردم دارند و شغل خود را داوطلبانه انتخاب می‌نمایند، لکن به آنها این اقتدار اعطا نشده است تا خطرهایی که خواهان روبرو شدن با آنها هستند، خود انتخاب نمایند. آتش‌نشانان خطرهایی شغلی را تنها به سبب اینکه تکلیف و وظیفه‌شان است

می‌پذیرند، نه به سبب اینکه خود داوطلبانه رویارویی با آن خطرها را انتخاب می‌کنند. لذا انتخاب داوطلبانه شغل، مستلزم پذیرش داوطلبانه خطر در آن موقعیت نیست ( Mitchell Hamline School of Law, 1981: 769). بنابراین، این نظریه در مواردی که خواهان تکلیفی برعهده دارد و نمی‌تواند از آن خطر اجتناب نماید، نباید اعمال گردد.

### ۱.۳.۲. نظم عمومی

نظم عمومی نیز به‌عنوان زیربنای قاعده آتش‌نشان از تیررس انتقاد حقوق‌دانان مصون نمانده است. در اینجا به بیان مهم‌ترین آن موارد می‌پردازیم:

الف) از دید حقوق‌دانان، این استدلال که آتش‌نشانان مزایا و پاداش خاصی به علت رویارویی با خطرهای شغلی دریافت می‌دارند و به این سبب، از حق اقامه دعوا محروم هستند، غیرقابل قبول است. زیرا با توجه به این استدلال، تمام کارمندان و کارگران زمانی که به دلیل تقصیر از جانب افراد صدمه می‌بینند و این خطر جزء جدایی‌ناپذیر شغلی آنهاست، نباید حق اقامه دعوا داشته باشند. درحالی که در برخی از ایالات، قضیه اصلاً این‌گونه نیست و دادگاه‌ها به کارمندان و کارگران آسیب‌دیده اجازه می‌دهند تا علیه افرادی که با مسامحه موجب ورود صدماتی بر آنها می‌شوند، اقامه دعوا نمایند (Handley, 2015: 508). برای مثال، کارگران مشغول به کار در بزرگراه‌ها، کارگران ساختمانی، نامهرسانان که برای مواجهه با خطرهای اجتناب‌ناپذیر شغلی خود مزایا دریافت می‌کنند، حق اقامه دعوا برای صدمات ناشی از مسامحه افراد را دارند؛ درحالی که مشخص نیست که چرا آتش‌نشانان شایسته رفتار دیگری هستند و به آنها که خطر شغلی‌شان بسیار بیشتر از کارمندان دیگر است، این مجوز اعطا نشده است (Denistone, 1981: 212).

ب) از دید منتقدان این قاعده، این استدلال که در صورت عدم استناد به قاعده آتش‌نشان مردم باید دو بار جبران خسارت نمایند، مردود است. زیرا سایر کارمندان همین‌گونه‌اند و به‌هیچ عنوان مزایای بیمه و جبران خسارت، حق آنها را برای دریافت خسارت از فرد مقصر در ایجاد حادثه محدود نمی‌نماید (Heidt, 2007: 760). لذا به نظر آنها این قاعده نه‌تنها از سوی نظم عمومی حمایت نمی‌شود، بلکه با نادیده گرفتن حق جبران زیان‌های واردآمده بر امدادگران که خدمات عمومی قابل‌توجهی انجام می‌دهند، این نظم نقض می‌گردد و افراد مقصر که افعالشان می‌تواند نه‌تنها مأموران امدادگر بلکه کل جامعه را به‌خطر بیندازد، از مسئولیت مبرا می‌شوند (Mitchell Hamline School of Law, 1981: 773). علاوه بر این، از دید آنها قاعده آتش‌نشان با معاف نمودن مالکان مقصر در ایجاد حادثه، فرهنگ مراقبت در حفظ املاک و اجتناب از ایجاد حوادث را در سطح جامعه ترویج نمی‌نماید و هر قاعده‌ای که نتواند عموم مردم را به رعایت احتیاط و مراقبت ترغیب نماید، بلکه در عوض موجب مبرا شدن افراد مسئول گردد، باید مورد تردید قرار گرفته، اصلاح شود (Ibid: 772). به سبب نقدهای وارد بر مبانی اصلی پذیرش

قاعده آتش‌نشان، قضات یا قانون‌گذاران برخی از ایالات امریکا، این قاعده را نسخ نمودند (Palumbo, 1987: 123). لذا در صورتی که امدادگر در این ایالات اثبات نماید که خواننده در ایجاد حادثه مقصر بوده و آسیب وارده بر امدادگران، ناشی از آن حادثه است، می‌تواند دعوای قابل قبولی علیه خواننده اقامه نماید (Heidt, 2007: 746). لیکن در اغلب ایالات در راستای نقدهای صورت گرفته، اعمال این قاعده را محدود نموده و به جهت تعدیل این قاعده، استثناهایی را بر آن وارد کرده‌اند که در ادامه به بیان شایع‌ترین این استثناءها می‌پردازیم.

#### ۱.۴. استثنای قاعده آتش‌نشان

##### ۱.۴.۱. رفتار عامدانه

اکثر ایالات امریکا که قاعده آتش‌نشان را به‌عنوان مانع دریافت خسارت پذیرفته‌اند، اعمال توأم با سوءنیت را مشمول معافیت این قاعده نمی‌دانند و یادآور می‌شوند که این قاعده متخلفان عمدی را از مسئولیت مبرا نمی‌سازد. لذا مالکانی که عامدانه ایجاد حریق می‌کنند و در عملیات مهار آن، امدادگران آسیب می‌بینند، نمی‌توانند به این قاعده استناد نمایند (Heidt, 2007: 754; Flowers v. Rock Creek Terrace Case, 1987: 449).

##### ۱.۴.۲. قصور در آگاه نمودن امدادگران از خطرهای نامعلوم و پنهان از پیش موجود

برخی از ایالات امریکا، قصور در آگاه نمودن آتش‌نشانان از خطرهای ناپیدا و پنهان موجود در ملک را با وجود اطلاع از آن، موجب مسئولیت مالکان در مقابل آتش‌نشانان می‌دانند (Flowers v. Rock Creek Terrace Case, 1987: 448). لذا به‌موجب این استثناء، آتش‌نشانی که پس از حضور در صحنه حریق، به‌علت فروریختن پله‌های ساختمان دچار آسیب می‌شود، از اقامه دعوا بر مالک ساختمان به سبب تقصیر در ایجاد حریق، ممنوع است، لیکن همچنان از حق اقامه دعوا به طرفیت مالک به سبب قصور در آگاه نمودن وی از نایمن بودن پله‌ها برخوردار است (Heidt, 2007: 753).

##### ۱.۴.۳. خطرهای غیرقابل پیش‌بینی

استثنای دیگر قاعده آتش‌نشان در برخی از ایالات امریکا، اعمالی است که خارج از محدوده خطرهای پیش‌بینی‌شده حرفة آتش‌نشانان است. در پرونده‌ای مطروحه در ایالت مریلند به این استثناء اشاره شده است. شرح ماقع این پرونده از این قرار است که آتش‌نشانی هنگام اطفای حریق، به سبب عدم اتصال آسانسور به میله اتصال، از طبقه ۱۲ ساختمان به پایین سقوط می‌کند

و دچار صدمات جسمانی می‌شود. آتش‌نشان یادشده به سبب آسیب‌های وارده به طرفیت مالک ساختمان، شرکت تأمین ایمنی ساختمان و سازنده آسانسور اقامه دعوا می‌نماید. لیکن قاعده آتش‌نشان موجب رد دعوی وی به طرفیت سه خواننده نامبرده می‌شود؛ با این استدلال که «دعوی اقامه‌شده علیه دو خواننده نخست به این دلیل مشمول حمایت قاعده آتش‌نشان است که آتش‌نشانان برای خاموش نمودن حریق به نفع عموم مردم استخدام شده‌اند و آنها به محیط‌های خطرآفرین، بدون توجه به اینکه حریق، قابل انتساب به عمل زیان‌بار چه کسی است، وارد می‌گردند». اما استدلال دادگاه در رد دعوا به طرفیت خواننده سوم، متفاوت است با دو خواننده نخست. استدلال دادگاه از این قرار است که «عدم اتصال آسانسور به میله در محدوده خطرهای قابل پیش‌بینی اطفای حریق است. عدم اتصال آسانسور که به سبب دود حاصله از حریق ناپیدا بود، خطر نامعلوم و پنهانی نبوده است که آتش‌نشان نمی‌توانست هنگام انجام عملیات امداد رسانی پیش‌بینی کند» (Flowers v. Rock Creek Terrace Case, 1987: 433-453).

#### ۱.۴.۴. تخلف از مقررات ایمنی

برخی از دادگاه‌های ایالات آمریکا برای تعدیل معافیت قاعده آتش‌نشان، در صورتی که صدمه وارده به سبب تخلف خواننده از مقررات ایمنی و دستورالعمل‌های مصوب (نظیر عدم نصب درهای ضدحریق و کپسول آتش‌نشانی) باشد، قاعده آتش‌نشان را قابل اعمال نمی‌دانند و مالک اموال را در برابر آتش‌نشان مسئول می‌شناسند. حتی برخی از دادگاه‌ها، در صورتی که رخداد حادثه ناشی از ایجاد موقعیت بسیار خطرناک از سوی فرد باشد (نظیر نگهداری بیش از حد گاز و بنزین برخلاف مقررات یا نگهداری آنها در مجاورت آب‌گرم‌کن)، اعمال قاعده آتش‌نشان را محدود می‌نمایند و فرد را مسئول صدمات امدادگر می‌دانند (Denistone, 1981: 200).

استثناهای یادشده، از جمله شایع‌ترین استثناهای وارد بر قاعده آتش‌نشان در ایالات پذیرنده قاعده است. این استثناها به‌صراحت مسئولیت مدنی مالک را در قبال آتش‌نشانان افزایش می‌دهد و زمینه‌های لازم را برای دریافت خسارت در بسیاری از شرایط فراهم می‌سازد. اما علی‌رغم این استثناهای یادشده، این قاعده در اغلب ایالات، موجب رد اقامه دعوی آتش‌نشانان به طرفیت فردی می‌گردد که تنها تقصیرش ایجاد موقعیتی بود که برای آن، امداد رسان فراخوانده می‌شود و در آن موقعیت آسیب می‌بیند (Ibid: 201). به تعبیر دیگر به‌موجب این قاعده، هنگامی که امدادگر به سبب خطرهایی که ذاتی حرفه وی است آسیب می‌بیند، از اقامه دعوا محروم است. البته به شرط آنکه آن صدمه مستقیماً ناشی از حادثه‌ای باشد که نیاز به خدمات وی را ایجاد نموده است (Richard White v. State of Maryland Case, 2011: 376).

## ۲. حقوق ایران

آنچه مسلم است در حقوق ایران، در بررسی مسئولیت مدنی متصرفان ساختمان در قبال صدمات آتش‌نشانان، به قاعده آتش‌نشان در متون قانونی و حقوقی تصریح نشده و تبیین موضع نظام حقوقی ایران تنها با مراجعه به قواعد عام مسئولیت مدنی میسر است. لذا در آغاز امر، نخست موجبات مسئولیت مدنی مالک یا متصرف را تبیین نموده، سپس وجود یا نبود شرایط تحقق آن موجبات را در این موضوع خاص بررسی می‌نماییم.

### ۲.۱. موجبات مسئولیت مدنی مالکان

مسئولیت مدنی یکی از بخش‌های مهم حقوق مدنی ایران است. لیکن این اصطلاح در «قانون مدنی» نیامده و حتی در سایر قوانین نیز از جمله قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ نیز تعریف مشخصی از این واژه صورت نگرفته و تنها آنچه مطرح گردیده، تعاریف ارائه‌شده از سوی حقوق‌دانان است. نگاه اجمالی به آن تعاریف مبین آن است که مسئولیت مدنی به مفهوم خاص، تعهد شخص به جبران زبانی است که بر اثر عمل زیان‌بار به دیگری وارد شده است و در این معنا مسئولیت مدنی از استیلا نامشروع و استیفا که از اسباب ضمان قهری هستند، متمایز می‌گردد. به دیگر سخن، مسئولیت مدنی به معنای خاص، تنها دربردارنده نهاد اتلاف و تسبیب در قانون مدنی است و قواعد عمومی آن در قانون مدنی ذیل عنوان اتلاف و تسبیب آمده و قانون مسئولیت مدنی نیز مقررات قانون مدنی را در این زمینه تکمیل ساخته است (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۸: ۵۵). بررسی آن مقررات مبین آن است که همواره وجود سه رکن برای تحقق این مفهوم از مسئولیت مدنی لازم است: ضرر، فعل زیان‌بار و رابطه سببیت بین فعل شخص و ضرر وارده (کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۲۳۹). در موارد تسبیب یعنی تلف مع‌الواسطه اثبات رکن چهارمی با عنوان تقصیر نیز لازم است و در صورت عدم تقصیر، انتساب خسارت به مسبب احراز نمی‌گردد (محقق داماد، ۱۳۸۳: ۱۲۰)، زیرا در تسبیب بین عمل و ضرر فاصله و واسطه‌ای وجود دارد و برای انتساب ضرر به فعل خواننده لازم است وی دارای تقصیر باشد (یزدانیان، ۱۳۸۶: ۱۲۵). این دو سبب از مسئولیت مدنی، هر دو ممکن است از موجبات مسئولیت مالکان در قبال آتش‌نشانان باشد، زیرا در هنگام بروز حوادث اضطراری، مالک ممکن است هنگام عملیات نجات مستقیماً با چنگ زدن به لباس آتش‌نشان آن را پاره نموده یا آسیب جسمانی به وی وارد سازد و یا آنکه ممکن است زیان وارده مستقیماً از فعل یا ترک فعل مالک ناشی نگردد، بلکه باواسطه و ناشی از حادثه‌ای باشد که فردی مسبب ایجاد آن حادثه بوده است.

## ۲.۲. تحلیل وجود یا نبود ارکان تحقق مسئولیت مدنی مالک

پس از تبیین موجبات مسئولیت مدنی مالک در قبال آتش‌نشان زیان‌دیده، باید وجود یا نبود شرایط تحقق این موجبات را در موضوع حاضر بررسی نماییم. مسلم است که رکن نخست مسئولیت یعنی ضرر با آسیب آتش‌نشان اعم از جانی یا مالی تحقق می‌یابد و به تعبیری، اگر آتش‌نشان هنگام عملیات امدادرسانی متحمل زیان نگردد، بحث از مسئولیت مدنی مالک در قبال وی بی‌معناست، زیرا هدف از مسئولیت مدنی جبران خسارت فرد زیان‌دیده است. وجود رکن دوم مسئولیت یعنی ارتکاب فعل زیان‌بار نیز مفروض است. زیرا فرض مقاله آن است که فعل زیان‌باری از ناحیه مالکان به‌وقوع پیوسته که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم منجر به زیان آتش‌نشان شده و استناد عرفی این فعل زیان‌بار به مالکان مسجل است. مصادیقی چون نگهداری مواد محترقه در ساختمان، عدم رعایت مقررات ایمنی در برق‌کشی، نصب غیرصحیح بخاری گازی، از جمله این افعال زیان‌بار مقصرانه است که می‌تواند به ایجاد حادثه‌ای بینجامد که به صورت غیرمستقیم به آسیب آتش‌نشان منجر گردد. اما رکن سوم مسئولیت، یعنی احراز رابطه سببیت میان فعل زیان‌بار مالک و ضرر وارده، رکن نهایی تحقق مسئولیت است. وجود این رکن در خسارات مستقیم وارده بر آتش‌نشان از ناحیه مالک مسجل است، اما به‌سادگی حکم به وجود آن در خسارات بالتسبیب میسر نیست. زیرا در تسبیب که ایراد ضرر به صورت باواسطه است، این تردید مطرح می‌شود که آیا ورود آتش‌نشان در صحنه حادثه برای نجات دیگری مصداق اقدام علیه خویش تلقی می‌گردد؟ آیا می‌توان قائل به آن شد که آتش‌نشان به ضرر خویش اقدام کرده و ضرری را که شخص زیان‌دیده بر پذیرش آن اقدام کند، قابل جبران نیست؟ در پاسخ به این پرسش باید اذعان داشت که قاعده اقدام که از قواعد اصطیادی فقهی است در فرضی که زیان آتش‌نشان ناشی از حادثه‌ای باشد که حضور وی را در صحنه ایجاب نموده، جریان نمی‌یابد. زیرا هر رفتاری از طرف زیان‌دیده، اقدام به ضرر تلقی نمی‌شود، بلکه منظور از اقدام به ضرر، خود رفتار تقصیرآمیز زیان‌دیده است که موجب ورود ضرر به خود گردد (خاکسار، ۱۳۸۷: ۱۱). به بیان دیگر، اقدام را می‌توان نوعی پذیرش خطر تقصیرآمیز زیان‌دیده دانست و تقصیر عمدی یا بی‌احتیاطی زیان‌دیده را سبب سقوط کلی یا نسبی ضمان تلقی نمود (نصیری، ۱۳۹۴: ۶۷) و در فرضی که آتش‌نشان در حین عملیات امداد از رفتار آتش‌نشان متعارف خارج نشده، تقصیری تحقق نیافته است تا مشمول اقدام علیه خویش گردد. لذا قاعده اقدام نمی‌تواند مانع انتساب ضرر به مالک در مواردی گردد که آتش‌نشان مطابق موازین شغلی در حین عملیات امدادرسانی عمل نموده و مرتکب تقصیر حرفه‌ای نشده است. لیکن علی‌رغم عدم امکان استناد به اقدام آتش‌نشان علیه خویش، می‌توان گفت در زمانی که زیان آتش‌نشان ناشی از حادثه‌ای باشد که وی برای دفع آن فراخوانده شده، مالک به‌عنوان مسبب فاقد ضمان

است و نمی‌توان قائل به وجود رابطه سببیت میان فعل مسبب ایجاد حادثه زیان‌بار و ضرر آتش‌نشان گردید. زیرا اولاً بر طبق قواعد در جمع بین سبب (مالک) و مباشر (آتش‌نشان)، اگر مباشر، مختار و عاقل باشد و به عمل خود و نتیجه آن توجه داشته باشد، ضامن بوده و مسبب فاقد ضمان است (محقق داماد، ۱۳۸۳: ۱۲۲). ثانیاً طبیعت شغل آتش‌نشانان، رویارویی با خطرهای طبیعی یا زاییده تقصیر افراد به‌عنوان بخشی از وظیفه شغلی است. آنها به سبب آموزش‌های خاصی که در آغاز کار در این حرفه دریافت می‌دارند، آگاه از خطرهای شغلی خویش هستند و علی‌رغم خطرهای پیش‌رو، برای حفاظت از سلامت افراد، جلوگیری از آسیب به اموال و حفاظت از محیط زیست وارد این حرفه می‌شوند. آنها از همان ابتدا آگاه هستند که مکان کار آنها توأم با خطرهای احتمالی فراوان است و وظیفه حرفه‌ای آنها مقابله با چنین خطرهایی و بی‌اثر نمودن آنهاست. لذا ورود داوطلبانه آتش‌نشان در این حرفه برای امدادسانی به شهروندان بدون در نظر گرفتن منشأ طبیعی یا خطای انسانی حادثه و دریافت آموزش‌های لازم برای مواجهه با این‌گونه خطرها توان قطع رابطه سببیت میان فعل زیان‌بار مالک و آسیب‌های آتش‌نشان را خواهد داشت و مانع دریافت خسارت از سوی آتش‌نشان در خطرهایی می‌گردد که عرفاً ذاتی حرفه وی و ناشی از طبیعت شغل اوست (مانند مسمومیت ناشی از دود هنگام اطفای حریق یا انفجار حاصل از حریق) و لذا آتش‌نشان آسیب‌دیده علی‌رغم اهداف انسان‌دوستانه حق دریافت خسارت از مالکی را ندارد که حضور وی را در صحنه حادثه ایجاب نموده است. لیکن باید همانند اکثر ایالات آمریکا، میان آسیب‌هایی که ذاتی حرفه امدادگران و ناشی از حادثه‌ای است که نیاز به خدمات آنها را ایجاب نموده، و صدمات نامرتبط با علت واقعی حضور آنها در صحنه حادثه، قائل به تمایز گردید. زیرا ورود به حرفه آتش‌نشانی را نمی‌توان مستلزم پذیرش تمام خطرهای شغلی حتی نامرتبط با خطرهای ذاتی حرفه آتش‌نشانی دانست و در خسارات نامرتبط با علت واقعی حضور آتش‌نشان در صحنه حادثه، باید آتش‌نشان را نیز همانند سایر واردین به ملک در نظر گرفت و قواعد ناظر بر آن را نسبت به آنها اعمال نمود. زیرا آتش‌نشان از جمله اشخاصی است که به إذن مالک یا متصرف و یا به حکم قانون یا مقامات صالح در هنگام وقوع حوادث اضطراری مجوز ورود به ملک را می‌یابد و وی را می‌توان وارد مأذون یا به تعبیری وارد مجاز (مبین و امیری، ۱۳۹۶: ۱۴۴-۱۴۵) تلقی نمود و بر حسب اینکه ورود وی به ملک به إذن مالک یا قانون باشد، مسئولیت مالک را بررسی نمود. زیرا با توجه به مواد قانونی میان ورود با إذن مالک و إذن قانون تمایز وجود دارد. به این ترتیب که اگر ورود آتش‌نشان به ملک با إذن شخصی مالک باشد، ماده ۵۲۳ قانون مجازات اسلامی مسئولیتی محض را بر مالک در قبال صدمات آتش‌نشان ناشی از حادثه‌ای نامرتبط با علت واقعی حضور وی در صحنه حادثه، تحمیل می‌نماید. زیرا به‌موجب این ماده «هرگاه شخصی با إذن کسی که حق إذن دارد، وارد منزل یا محلی که در تصرف اوست، گردد و از ناحیه حیوان یا شیئی که در



آن مکان است، صدمه و خسارت ببیند، إذن‌دهنده ضامن است، خواه آن شیء یا حیوان قبل از إذن در آن محل بوده یا بعداً در آن قرار گرفته باشد و خواه إذن‌دهنده نسبت به آسیب‌رسانی آن علم داشته باشد، خواه نداشته باشد». لذا بنابر منطوق ماده، قانون‌گذار متصرف را در مقابل وارد مأذون، ضامن خسارت وارده دانسته و مسئولیت متصرف در برابر وی را مشروط به تقصیر نکرده است؛ زیرا إذن‌دهنده را در هر صورت، حتی در فرض ناآگاهی از وجود شیء در ملک خود، ضامن صدمات وی دانسته است (مبین و امیری، ۱۳۹۶: ۱۵۲). لیکن تبصره ماده در مواردی که آسیب مستند به مصدوم باشد، مانند آنکه واردشونده بدانند حیوان یادشده خطرناک است و إذن‌دهنده از آن آگاه نبوده یا قادر به رفع خطر نیست، ضمان را منتفی دانسته است. این تبصره به صورت تمثیلی موارد استناد آسیب به مصدوم را اشاره کرده، افزون بر آن با توجه به متون فقهی، می‌توان قائل به آن بود که در مواردی که مالک در هنگام ورود فرد مأذون، وی را از خطرهای موجود در ملک آگاه نموده و هشدار لازم را در این خصوص به وی داده، آسیب تنها مستند به زیان‌دیده است و بر اساس قاعده «تحدیر» مالک در قبال صدمات وی مسئولیتی ندارد. اما در فرض ورود آتش‌نشان با إذن قانون یا مقام صالح قانونی، احکام مسئولیت مالک متفاوت است و از باب این ماده نمی‌توان مسئولیتی محض را بر مالک تحمیل نمود، زیرا فرض ماده تنها ناظر بر ورود با إذن مالک است و در موارد ورود با مجوز قانونی، باید بر مبنای قواعد عمومی مسئولیت مدنی، مسئولیت مالک را مبتنی بر تقصیر دانست و تنها در صورت احراز تقصیر مالک در نگهداری از حیوان یا شیء یا عدم انجام وظیفه هشدار خطر، وی را در قبال صدمات آتش‌نشان ناشی از حادثه‌ای نامرتبط با علت واقعی حضور وی در صحنه حادثه مسئول دانست. حال در پایان این بخش از مجموع مطالب پیش‌گفته می‌توان به این نتیجه دست یافت که در مواردی که آسیب وارد بر آتش‌نشان نتیجه اتلاف بالمباشرة مالک است، وی در قبال آتش‌نشان مسئول است. لیکن اگر آسیب نتیجه تسبیب مالک باشد، باید میان صدمات ذاتی حرفه آتش‌نشان که ناشی از علت واقعی حضور وی در صحنه حادثه است و صدمات نامرتبط با علت واقعی حضور وی در صحنه حادثه قائل به تفکیک گردید و در صورت نخست، قائل به عدم ضمان مالک و در حالت دوم، بنابر مأخذ إذن، قائل به مسئولیت محض مالک یا مسئولیت مبتنی بر تقصیر وی در قبال آتش‌نشان گردید و لذا تحلیل قواعد عمومی مسئولیت مدنی هم‌جهتی ایران را با اکثر ایالات امریکا در پذیرش قاعده آتش‌نشان تأیید می‌نماید. اما این پرسش باقی می‌ماند که آیا استثناهای قاعده آتش‌نشان را نیز با توجه به قواعد عمومی مسئولیت مدنی می‌توان پذیرفت یا خیر؟ پاسخ به این پرسش، نیازمند بررسی این استثناها است که در اینجا به تحلیل آن می‌پردازیم.

## ۲.۳. بررسی استثنای قاعده آتش‌نشان در حقوق ایران

### ۲.۳.۱. رفتار عامدانه

این استثنا مبین آن است که اگر مالک در ایجاد حادثه اضطراری عمد داشته باشد، آیا باز هم می‌توان قائل به عدم ضمان وی در خصوص خسارات ناشی از آن حادثه اضطراری وارده بر آتش‌نشان گردید یا خیر؟ تحلیل قواعد مسئولیت مدنی حاکی از آن است که عمد مالک در ایجاد حادثه، در ضمان یا عدم ضمان وی دخالتی ندارد و آنچه ملاک است، احراز رابطه سببیت بین فعل زیان‌بار و خسارت است و در این حالت، حتی با وجود عمد مالک در ایجاد حادثه اضطراری نمی‌توان قائل به مسئولیت وی در قبال آتش‌نشان گردید، زیرا وظیفه شغلی آتش‌نشان رویارویی با خطرهای اعم از طبیعی یا زاده تقصیر عمدی و یا غیرعمدی فرد است و ورود وی در صحنه به‌عنوان فاعل مختار و عاقل، مانع انتساب خسارت به مالک می‌گردد. در مقابل این نظر ممکن است گفته شود در مواردی که شخص مرتکب تقصیر عمدی یا در حکم عمد شود، مسئول همه نتایج فعل خویش است؛ اگرچه پیش‌بینی نکرده یا غیرقابل پیش‌بینی باشد. لیکن در رد این نظر باید گفت، اعتقاد به چنین مسئولیت وسیعی برای فاعلی که عمد دارد، به معنای انکار رابطه سببیت بین فعل او و خسارات نیست و وجود رابطه سببیت همواره ضروری است (یزدانیان، ۱۳۸۶: ۳۰۲-۳۰۳) و در زیان آتش‌نشان حتی با وجود عمد مالک در ایجاد حادثه، این رکن مفقود است.

### ۲.۳.۲. قصور در آگاه نمودن آتش‌نشانان از خطرهای نامعلوم و پنهان

این استثنا بیانگر آن است که اگر مالک پس از حضور آتش‌نشان، وی را از خطرهای نامعلوم و پنهان موجود در ملک آگاه نسازد و به سبب آن، خسارتی به وی وارد گردد، آیا می‌توان قائل به عدم ضمان مالک گردید؟ پاسخ به این پرسش ظاهراً منفی است، زیرا در این فرض، تقصیر مالک پس از ایجاد حادثه اضطراری واقع شده و نقض وظیفه مالک در هشدار خطرهای پنهان موجود در ملک، سبب زیان وارده بر آتش‌نشان ناآگاه گردیده است و در این حالت نمی‌توان زیان آتش‌نشان را ناشی از حادثه‌ای دانست که وی برای رفع آن فراخوانده شده است. به تعبیر دیگر، در این حالت، سبب اقوا از مباشر است و آسیب مستند به آتش‌نشان نیست.

### ۲.۳.۳. خطرهای غیرقابل پیش‌بینی

این استثنا بیانگر آن است که اگر زیان وارده بر آتش‌نشان خارج از محدوده خطرهای پیش‌بینی‌شده حرفة آتش‌نشانان باشد، آیا مالک در قبال آن مسئول است یا خیر؟ در پاسخ به این پرسش، باید به تفکیک قبلی یعنی خساراتی که ناشی از حادثه اصلی است و خساراتی که با

علت واقعی حضور آتش‌نشان نامرتب است، برگردیم و در فرض نخست، خطرهای غیرقابل پیش‌بینی حرفه آتش‌نشانان را اگر ناشی از حادثه‌ای باشد که وی برای آن فراخوانده شده است، منتسب به مالک ندانیم و به سبب عدم احراز رابطه سببیت، قائل به ضمان مالک نباشیم. لیکن اگر خسارات با سبب حضور آتش‌نشان در صحنه حادثه نامرتب باشد، ورود با اذن مالک یا اذن قانون را در مسئولیت یا عدم مسئولیت مالک تأثیرگذار بدانیم و در فرض ورود با اذن مالک قائل به مسئولیت وی، و در فرض ورود با اذن قانون، تنها در صورت احراز تقصیر مالک، قائل به مسئولیت وی باشیم.

### ۲.۳.۴. عدم رعایت نکات ایمنی

این استثنا بیانگر آن است که اگر ایجاد حادثه اضطراری به سبب عدم رعایت نکات ایمنی از ناحیه مالک مانند نگهداری بیش از حد مواد محترقه در منزل یا عدم رعایت نکات ایمنی در ساخت بنا باشد، آیا وی را می‌توان به این سبب مسئول صدمات آتش‌نشان ناشی از آن حادثه دانست؟ پاسخ به این سؤال با تحلیل صورت‌گرفته در استثنای نخست، منفی است و به سبب عدم احراز رابطه سببیت بین فعل زیان‌بار مالک و آسیب‌های آتش‌نشان در خطرهای ذاتی حرفه وی، نمی‌توان قائل به ضمان مالک بود.

### نتیجه

در بیشتر ایالات آمریکا، مسئولیت مالکان در قبال آتش‌نشانان وارده به ملک آنان محدود شده، مالکان مسئول صدمات آنها ناشی از حادثه اصلی که حضور آنها را ایجاد نموده، نیستند و این امر تحت عنوان قاعده آتش‌نشان شناخته شده است. لیکن برخی ایالات به جهت انتقادات وارد بر این قاعده، یا آن قاعده را نسخ و یا استثناهایی را بر آن وارد ساخته‌اند. شایع‌ترین این استثناهای مواردی است که مالک، عامدانه یا با بی‌احتیاطی بسیار موجب ایجاد حادثه مستلزم حضور آتش‌نشانان می‌گردد و نیز مصادیقی است که صدمه وارده بر مأموران نتیجه تخلف از مقررات ایمنی باشد و یا مالک از حضور مأموران آگاه بوده، لکن آنها را از خطرهای پنهانی یا غیرقابل پیش‌بینی موجود در ملک در صورت اطلاع، آگاه نکرده باشد. در حقوق ایران، برخلاف آمریکا، مطالعات منسجمی در این زمینه صورت نگرفته و رویه قضایی غنی وجود ندارد. لذا تحلیل موضوع با توجه به عمومات مسئولیت مدنی صورت پذیرفته است و با توجه به مبانی حقوقی می‌توان قائل به این نظریه بود که در حقوق ایران آتش‌نشانان در موارد تسبیب به سبب عدم احراز رابطه سببیت میان فعل زیان‌بار متصرف و آسیب وارده بر وی، حق دریافت خسارت بابت آسیب‌های مرتبط با علت اصلی حضور در صحنه حادثه را نخواهد داشت و عمد مالک در ایجاد آن حادثه یا تقصیر سنگین وی

نمی‌تواند عامل مسئولیت وی در آسیب‌های ذاتی شغل آتش‌نشان باشد. لیکن اگر صدمات نامرتب با حادثه‌ای باشد که حضور وی را در آن صحنه ایجاب کرده است، در صورت‌این متصرف در ورود به ملک، به صورت محض ضامن خسارات وارده ناشی از حیوان یا شیء موجود در ملک خواهد بود. لیکن اگر ورود وی با‌این قانونی باشد، مالک تنها در صورت احراز تقصیر مسئول خواهد بود و در هر دو فرض اگر مالک به وظیفه خویش مبنی بر هشدار خطرهای موجود در ملک عمل نماید، دیگر مسئولیتی متوجه وی نخواهد بود.

## منابع و مأخذ

### الف) فارسی

#### – کتاب‌ها

۱. صفایی، سیدحسین و رحیمی، حبیب‌الله (۱۳۹۸)، **مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)**، تهران: انتشارات سمت.
۲. قاسم‌زاده، سیدمرتضی (۱۳۸۷)، **مبانی مسئولیت مدنی**، چ ۵، تهران: نشر میزان.
۳. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۰)، **الزام‌های خارج از قرارداد (مسئولیت مدنی)**، ج ۱: قواعد عمومی، چ ۱۰، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۴. محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۹۰)، **قواعد فقه بخش مدنی**، چ ۳۰، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
۵. یزدانین، علیرضا (۱۳۸۶)، **حقوق مدنی (قواعد عمومی مسئولیت مدنی)**، ج ۱، تهران: نشر میزان.

#### – مقاله

۶. مبین، حجت و امیری، احمد (۱۳۹۶)، «مطالعه تطبیقی مسئولیت مدنی مالک یا متصرف در مقابل واردین مجاز و غیرمجاز در حقوق انگلستان و نظام حقوقی اسلام»، **فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب**، سال چهارم، ش ۲.

#### – پایان‌نامه‌ها

۷. خاکسار، فرانک (۱۳۸۷)، **بررسی تطبیقی قاعده اقدام در حقوق اسلام با قاعده مشارکت در خطا در حقوق کامن‌لا**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه قم.

۸. نصیری، هدیه (۱۳۹۴)، پذیرش خطر در مسئولیت مدنی در حقوق انگلیس، فرانسه و ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی.

### ب) انگلیسی

#### - Books

9. Johnson, Eric E. (2015), Torts: Cases and Context, Vol. 1, US: CALI eLangdell Press.
10. Varone, J.Curtis. (2007), Legal Consideration for Fire & Emergency Services, US: Delmar, Cengage Learning.

#### - Articles

11. Barker, John C.; Wildman, Stephanie M. (1990), "Time to Abolish Implied Assumption of a Reasonable Risk in California", University of San Francisco Law Review, Vol.25. pp. 647- 679.
12. Berry, Kiel (2007), "Espinoza V. Schulenburg: Arizona Adopts the Rescue Doctrine and Firefighter's Rule", Arizona Law Review, Vol.49, pp. 171-177.
13. Casselman, Margo R. (2017), "Re-Examining the Firefighter's Rule in Arizona", Arizona Law Review, Vol.59, pp. 263-287.
14. Deniston, Marty K. (1981), "Hubbard v. Boelt: The Fireman's Rule Extended", Energy Law Symposium, Iss.1, Article 7, pp. 197- 231.
15. Fanzlaw, Amy J. (1994), «"A Sign of the Times:" How the Firefighter's Rule and the No-Duty-To- Rescue Rule Impact Convenience Stores' Liability for Failure to Aid a Public Safety Officer», Stetson Law Review, Vol.XXIII. pp. 843-892.
16. Handley, Cristen C. (2015), "Back to the Basics: Restoring Fundamental Tort Principles by Abolishing the Professional-Rescuer's Doctrine", Arkansas Law Review, Vol.68, pp 489-510.
17. Heidt, Robert H. (2007), "When Plaintiffs Are Premium Planners for Their Injuries: A Fresh Look at the Fireman's Rule", Indiana Law Journal, Vol.82, Iss.3, Article 5, pp. 745-808.
18. Hohn, Christopher M., (1994), "The Missouri Firefighter's Rule", Missouri Law Review, Vol.59, Iss.2, Article 6, pp. 479-489.
19. Kuklin, B. (2006), "Peril Invites Rescue: An Evolutionary Perspective". Hofstra Law Review. Vol.35, pp. 171-215.
20. Mitchell Hamline School of Law. (1981), "Assumption of the Risk and the Fireman's Rule", William Mitchell Law Review: Vol.7, Iss.3, Article 5, pp. 749-779.
21. Moss, Michael W. (1975), "An Examination of the California Fireman's Rule", McGeorge Law Review, Vol.6, Iss.2, Article 12, pp. 660-682.
22. Palumbo, Julianne. (1987), "Equal Protection and the Fireman's Rule in Ohio",

- Case Western Reserve Law Review, Vol.38, Iss.1, pp. 123-144.
23. Rev, Minn. L. (1980), "The New Minnesota Fireman's Rule –An Application of the Assumption of Risk Doctrine: Armstrong v. Mailand", Minnesota Law Review, Vol. 64, pp. 878-892.
  24. Riley, Benjamin K. (1983), "The Fireman's Rule: Defining Its Scope Using the Cost-Spreading Rationale", California Law Review, Vol.71, Iss.1, Article 6, pp. 218-252.
  25. Ruscus, Stephen E. (1991), "Empty Pockets: Application of the Fireman's Rule to Emergency Medical Tehnicians", Journal of Contemporary Health Law and Policy, Vol.7, Iss.1, Article 20, pp. 339-365.
  26. Zimmerman, Richard D. (1978),. "Negligence Actions by Police Officers and Firefighters: A Need for a Professional Rescuers Rule", California Law Review, Vol.66, Iss.3, Article 4, pp. 585-609.

#### - Documents

27. Armstrong v. Mailand, 284 N.W.2d 343, 348 (1979)
28. Flowers v. Rock Creek Terrace, 308 Md. 432, 520 A.2d361 (1987)
29. Fouch v. Werner, 99 Cal. App. 557, 564, 279 P. 183, 186 (1929)
30. Gibson v. Leonard, 143 Mll. 182, 32 N.E. 182 (1892)
31. In the Supreme Court of the State of Kansas, (2017). No.111,987, Juan A. Apodaca (Appellant) v. Mark Willmore, Matthew Willmore and Oak River Insurance Company (Appellees), Syllabus by The Court.
32. Meiers v. Fred Koch Brewery, 229 N.Y. 10, 127 N.E. 491 (1920)
33. Peterson v. Balach 294 Minn. 161, 199 N.W.2d 639 (1972)
34. Richard White v. State of Maryland, 19 A.3d 369, 419 Md. 265 (2011)
35. Rowland v. Christian, 69 Cal. 2d 108, 443 P.2d 561, 70 Cal. Rptr. 97 (1968)